

از سلسله بحثهای حضرت آیه‌الله یزدی
ریاست محترم قوه قضائیه

اخلاق قضاء

(قسمت چهارم)

بحث ما طی عنوان اخلاق قضاء مطرح بود اشاره کردیم که بخشی از بحث‌ها مربوط به حالات قاضی می‌شود و به روحیات شخص قاضی، و بخشی نیز مربوط به کار قاضی و رأیی که انشاء می‌کند. اشاره کردیم قاضی اختصاص به رئیس محکمه ندارد. در سیستم فعلی ما قضات تحقیق و دادیاران، بازپرسان و دادستانها و رؤسای محاکم همه قاضی هستند و این بحث شامل همه‌ی آنها می‌شود.

بنظر می‌رسد که در این جلسه از بخشی از نامه معروف حضرت امیرالمومنین علی (ع) به مالک اشتر که درباره‌ی مسئولان مختلف حکومت از جمله قضات صحبت کرده‌اند استفاده کنیم.

قبل از تکیه به فرمایشات حضرت، به دو نکته که در اوایل نامه امام (ع) به چشم می‌خورد باید توجه کنیم.

نکته اول: مسئله‌ی است که حضرت به مالک می‌فرمایند که این مقام و

مسئولیتی که به شما داده شده است قبل از شما دیگران همین مسئولیت را داشته‌اند و در همین سمت کار کرده‌اند و بعد از شما هم دیگران خواهند آمد و در همین پست کار خواهند کرد و همانطور که شما کار گذشتگان این سمت را نقد می‌کنید و مورد بحث قرار می‌دهید آیندگان هم کار شما را مورد نقد قرار خواهند داد و نقاط مثبت و منفی آن را بررسی خواهند کرد.

توجه باین نکته به نظر ما در حقیقت ایجاد یک کنترل درونی است برای کسانی که مسئولیتهای سنگین حکومتی را بعهد می‌گیرند بخصوص سمت قضاء، که از اهمیت خاصی برخوردار است. یعنی آقای قاضی شما هم می‌بایست توجه داشته باشید که همیشه شما در این مسند نیستید قبل از شما دیگران بودند و بعد از شما هم دیگرانی خواهند آمد و همانطور که شما گاهی احکام صادره قضات گذشته در این سمت را نقد می‌کنید و مزایا و نقاط قوت رأی آن قاضی را تأیید و تمجید می‌کنید و توجه می‌کنید آن قاضی با چه دقتی به کارش رسیدگی کرده و چه امتیازاتی در حکمش وجود دارد و یا اینکه چه ضعفها و ناراحتی‌هایی در کارش وجود دارد، کار شما هم به همین کیفیت تحت نظر آیندگان قرار خواهد گرفت و نقد خواهند کرد نقاط مثبت و منفی کار شما را هم دیگران بررسی خواهند کرد یعنی صرف توجه باین مسئله که شما همیشه در این سمت نیستید موجب میشود که کنترل روی فرد بوجود بیاید تا دقت لازم را در کار خودش انجام بدهد و در حقیقت کار را ضمن اینکه در دید خداوند عالم می‌داند. که خدا شاهد و ناظر است در دید فنی و تحقیقی آیندگان قرار می‌گیرد و طبعاً با چنین توجهی کار دقیقتر و صحیحتر انجام می‌گیرد و غفلت از این نکته که وقتی انسان در یک سمتی قرار گرفت یک کار سنگینی بعهد گرفته و یا اینکه اگر قاضی در مسند قضا زمانی که کار خود را شروع کرد غفلت نمود و یا تصور کرد همواره او

در این مسند حاکم است به ضعف‌های کار خود زیاد توجه نمی‌کند و اگر به ذهن وی هم خطور کرد ممکن است بگوید خود ما هستیم قضیه را بنحوی درست خواهیم کرد. اما اگر ببیند و توجه داشته باشد که همواره این جا نیست قطعاً کار را دقیقتر و صحیحتر انجام خواهد داد. این نکته‌یی است که حضرت در بدو شروع دستورالعملشان به والی و استاندار بیان فرموده‌اند قطعاً به همه مسئولان این توجه داده شده است.

نکته دوم این است: اگر ما مروری روی نامه حضرت بنمائیم دقیقاً به این نکته پی می‌بریم که حضرت خواسته‌اند دید جامعه‌شناسی به کسانی که مسئولیت‌های اجتماعی را بعهده می‌گیرند بدهند، و لذا قشرهای مختلف جامعه را تقسیم کرده‌اند و اشاره نموده‌اند که مردم در جامعه این طبقات را دارند برخی از نیروهای مسلح‌اند و برخی از کسبه و تجار و گروهی از کارگران و کشاورزان می‌باشند و برخی از حکام هستند و تقسیم‌بندی‌های اصولی را ذکر نموده‌اند که طبعاً در دل این بخش‌ها و این اقشار تقسیم‌بندی‌های دیگری هم وجود دارد. اشاره حضرت به این که جامعه دارای این طبقات است و بعد هم نحوه برخورد با هر یک از این طبقات را یادآوری فرموده‌اند. معنای آن این است که شما می‌بایست تا حدودی جامعه‌شناس هم باشید و بدون شناخت جامعه کارهای اجتماعی را و کارهای حکومتی را بعهده گرفتن معمولاً درست انجام نمی‌گیرد. در حقیقت به یک قاضی همین مطلب گفته می‌شود که اگر شما طبقات جامعه را بشناسید قشرهای مختلف جامعه را بشناسید یا به عبارت آزادتر مجموعه زمان و شرایط زمانی را بخوبی بشناسید خودبخود تشخیصتان نسبت به موضوع صحیحتر خواهد بود و بهتر متوجه می‌شوید فردی که شکایت کرده، مسئله‌یی که درباره آن شکایت شده دعوایی که بین دو نفر مطرح است و یا جرمی که رخ داده از چه کسی و در

چه شرایطی است وضعیت فرهنگی آنان چگونه است وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان چگونه است، اوضاع و احوال سیاسی چگونه است مجموعه این‌ها مثلاً در جرائم، درجه جرم را بیشتر می‌توانید تشخیص دهید. که طبعاً دقیقترین کار قاضی تطبیق مجازات با جرم است و رعایت تناسب بین جرم و مجازات است و تعیین درجه جرم به مقدار زیادی بستگی دارد به شناخت روحیات کسی که مرتکب جرم شده است در چه سنّی و چه وضعیت اقتصادی و فرهنگی و اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی قرار دارد به این ترتیب می‌بینید شناخت جرم و سطح جرم به مقدار زیادی با شناخت وضعیت جامعه ارتباط پیدا می‌کند. یا دعوائی که بین دو نفر مطرح است فرضاً در يك امر مالی، در يك امر حقوقی، آیا در ارتباط با پول است؟ در ارتباط با زمین است، در ارتباط با تجارت و داد و ستد است؛ وقتی شما وضعیت حاکم بر جامعه را درست بشناسید خود به خود متوجه می‌شوید آنچه بین این‌ها گذشته است چه چیزهایی بوده است و مسئله برایتان روشن‌تر خواهد شد تا اینکه اصولاً تصور کنید يك جامعه‌یی است در نهایت پاکی و خلوص و صفا و هیچ نوع تزویر و غش در معامله و دغل و تقلبی وجود ندارد قضاوتتان تفاوت می‌کند در تشخیص موضوع البته بحث از حکم نیست، حکم روی موضوع، کار ساده‌یی است قوانین هم وضع را مشخص کرده است اگر کسی چنین جرمی را مرتکب شد مجازاتش چنان است اگر چنین کاری را انجام داد طبعاً حق فلان کس است اما آیا این شخص که این جرم را مرتکب شده است یا این کار را انجام داده است یا نه، این تشخیص موضوع بمقدار زیادی ارتباط پیدا می‌کند با تشخیص وضعیت جامعه با وضعیت حاکم بر مردم، با واقعیهایی که در جامعه وجود دارد.

و امیرالمؤمنین(ع) در این نامه به نظر ما به این نکته توجه داده این همان

بحثی است که همه ما با آن آشنا هستیم و نسبت به فقهاء عظام هم گفته شده که فقیه در مقام فتویٰ می‌بایست زمان را درست درک کند و از شرایطی که درباره فقهاء و مراجع عظام گفته شده است، عرفان است، یعنی شناخت، بدانند در چه زمانی قرار دارند و اگر زمان را بخوبی بشناسند، موضوعات بخوبی مشخص می‌شود و طبعاً حکم متناسب آن موضوع صادر خواهد شد. همه‌ی ما این بحث را از حضرت امام رضوان‌ا... تعالی شنیده‌ایم که درباره شرایط اجتهاد وقتی بحث کرده‌اند به همین نکته توجه داده‌اند و تصریح هم فرموده‌اند که ممکن است یک موضوع حکمی داشته باشد ولی در زمان دیگر موضوع دگرگون شده یا شرایط و چگونگی‌های موضوع دگرگون شده و حکم تغییر می‌کند نه اینکه حکم خدا تغییر کرده حکم تغییر نکرده موضوع حکم به خاطر اختلاف زمان و شرایط زمان و مکان تغییر کرده قهراً حکم هم عوض شده است این هم یک نکته که بنظر ما در سطر این نامه توجه داده شده و نتیجتاً به همه‌ی کسانی که کارهای حکومتی را بعهده می‌گیرند بخصوص قضات محترم توجه باین نکته لازم است یک قاضی که از دانشکده و از حوزه و بعبارت دیگر از میدان درس و بحث و کتاب و فرمول و تئوری آمده است و در محکمه نشسته است و با همان تئوری‌ها و فرمول‌ها می‌خواهد قضاوت کند ولی مردم را نمی‌شناسد، جامعه را نمی‌شناسد، شرایط اوضاع و احوال را درست نمی‌داند، این احتمال اشتباه و خطایش در تشخیص موضوع حداقل احتمال بالایی است ولی وقتی دوره کارآموزی را ببیند و در کنار قضات بنشیند و کیفیت طرح دعاوی را بشنود و ببیند کیفیت کار قاضی را ببیند نحوه سؤال و جواب را مشاهده کند اشخاص را بشناسد متوجه می‌شود در جامعه چه چیزهایی می‌گذرد و چه وضعیتی وجود دارد خود بخود وقتی خودش در مسند قضا نشست و دعوا در حضورش مطرح شد در شناخت موضوع با آن

شناخت زمان و جامعه و واقعیت‌های جاری در بین مردم کمک بیشتری بوی می‌شود و قهراً درجه و ضریب خطایش پائین می‌آید.

این هم يك نکته که بنظر ما حضرت بآن عنایت داشته‌اند و الاً بحث علمی که مطرح فرموده‌اند و امیرالمؤمنین علی (ع) که نمی‌خواستند يك درس علمی را بگویند داشته‌اند به يك والی و استاندار و يك کسی که مسئولیت اداره يك بخش وسیعی از سرزمینهای حکومت اسلامی را به عهده داشته است راهنمایی می‌فرموده‌اند دراین جا مباحث جامعه‌شناسی مطرح کردن منظور نیست، منظور توجه دادن به این نکته است که باید زمان و مکان و مردم را شناخت و با این شناخت قهراً در کار موفقتر خواهد بود.

و قضات محترم و همکاران عزیز ما هم وظیفه دارند که به این شناخت توجه خاصی داشته باشند.

از این دو نکته که بگذریم باتوجه به کلمات و واژه‌های خاصی که حضرت درباره قضات بکار برده‌اند کمی دقت کنیم، گاهی عرض شده است به همه کسانی که در نظام حکومت اسلامی مسئولیتی دارند و به خصوص قضات محترم لازم است هرچند گاه یکبار مروری بر این نوشته حضرت و این دستورالعمل جامع داشته باشند و ببینند در اسلام حاکمیت به چه شکل است و حکومت به چه شکل است و هر قشری وظیفه خودش را چگونه باید انجام بدهد. این جا ملاحظه کنید بحث اول در انتخاب قضات است که چه کسانی برای سمت قضاوت میبایست انتخاب شوند عبارت را دقت بفرمائید: «ثم اختر للحکم بین الناس افضل رعیتک فی نفسک ممن لاتضیق به الامور».

قهراً شما قضات محترم بارها این جملات را ملاحظه و مطالعه فرموده‌اید شاید بحث هم کرده‌اید و در این باره با دوستان خود گفتگو هم داشته‌اید. ولی من

می‌خواهم بعضی از کلمات را بازتر نمایم که وقتی يك قاضی می‌خواهد انتخاب شود. اولاً پیش انتخاب کننده باید افضل افراد باشد یعنی انتخاب کننده می‌بایست يك دستگاه ارزشیابی داشته باشد يك وسیله‌ی برای اینکه ارزیابی کند که افرادی که شرایط اولیه قضاء را دارند بتواند تشخیص بدهد کدام افضلند و کدام يك فاضلند یعنی بهر صورت کسانی که با شما کار می‌کنند دارای فضیلت‌هایی هستند دارای صفات شایسته‌ی هستند امتیازات برجسته‌ی دارند ولی بعضی‌ها برای قضاوت برتر از دیگران هستند. وقتی کسی بخواهد انتخاب شود باید در بین فضلا در بین صاحبان فضیلت در بین شایستگان شایسته‌تر باشد. توجه باین نکته اهمیت قضاء را نشان می‌دهد که قاضی باید دارای يك برتری بیش از کسانی که برتر هستند باشد و این کار را کسی که می‌خواهد انتخاب کند مسئول این تشخیص است به عبارت دیگر وقتی يك دستگاه مسئول می‌خواهد کسی را بعنوان رئیس دادگستری يك استان قرار دهد، رئیس مجموعه محاکم مدنی یا مجموعه محاکم حقوقی یا کیفری قرار دهد یا ساده‌تر رئیس يك محکمه قرار دهد که به يك سری دعاوی برسد باید بین شایسته‌ها شایسته‌تر را انتخاب نماید و این آقای که قاضی است و می‌خواهد قضاوت کند و جان و مال و ناموس مردم در اختیارش قرار می‌گیرد نه تنها باید شایسته باشد بلکه باید بین شایستگان شایسته‌تر باشد. پس اولاً برعهده انتخاب کننده است داشتن يك دستگاه ارزشیابی، یعنی: بین مجموعه بتواند بهترین را بشناسد. تا حال ما اینجا بحث ملاکات ارزشیابی و وسایلی که با آن ابزار و وسایل قضات را باید سنجید داشتیم طبعاً در سیستم فعلی چنین دستگاهی هم وجود دارد و اگر از ما خواسته شود که از بین قضات کسی را برای سمت بالایی انتخاب کنیم بلافاصله از ارزشیابی سؤال می‌کنیم و پاسخ لازم داده می‌شود و مقیاسها و ملاکات را بما

می‌دهند. به هر حال این جمله حضرت توجه می‌دهد که می‌بایست انتخاب‌کننده دستگاه ارزشیابی داشته باشد و انتخاب شونده باید این فضایل را داشته باشد منتخب عنه را اگر (بفرمایش حضرت) دقت کنیم (... ممن لاتضییق به الامور و لاتمککه الخصوم) باید از کسانی باشد که فراز و نشیب‌های زندگی او را به شکست نکشاند یک آدمی که ظرفیت کافی ندارد و وقتی با یک مشکل روبرو می‌شود بلافاصله شکست می‌خورد، بلافاصله تسلیم می‌شود شخصیت خود را از دست می‌دهد او چگونه می‌تواند متصدی یک پست گردد و در مقامی قرار گیرد که می‌خواهد حقوق انسانها را حفظ کند کسی که خودش توان مقاومت و مقابله با مشکلات زندگی ندارد و امور و مضایق امور او را می‌شکند او نمی‌تواند فشارهایی را که بر مردم وارد می‌آید تعدیل کند و در بین این فشارها حق و ذیحق را بشناسد و حقی را به ذیحقی بدهد. باید از کسانی باشد که «...لاتضییق به الامور...» از اینجا انسان می‌تواند بخوبی استفاده کند که متن زندگی فراز و نشیب‌دار است جاده زندگی جاده پرفراز و نشیب است پر دست‌انداز است. مردان موفق کسانی هستند که از این فراز و نشیبها بتوانند عبور کنند و به سلامت بگذرند خودشان را به نقطه مطلوب برسانند اما اگر کسی مشکلی نداشته باشد و همه چیز برایش فراهم باشد به جایی هم برسد چندان کاری نکرده هنری نکرده اصولاً نمی‌تواند بجایی برسد کسانی که فراز و نشیب زندگی را ندیده‌اند سختی‌ها را ندیده‌اند میدان‌های آزمایش را ندیده‌اند آنها کمتر می‌توانند به مقامات بالا برسند و کارهای سنگین را بتوانند انجام دهند «... ممن لاتضییق به الامور...» یعنی: باید از کسانی باشد که شکست‌ها را نردبان ترقی بداند نگرانی‌ها فشارهایی که در زندگی برایش بوجود می‌آید پله‌های رشد و رسیدن به مطلوب بداند نه اینکه وقتی یک فشار در زندگی برایش بوجود می‌آید بگوید من نمی‌توانم

کار کنم چنین آدمی مشکل است که در مقام قضاوت قرار گیرد باید از بین کسانی که مضایق زندگی و فشارهای زندگی او را نمی‌شکند و مقاومت او در برابر این فشارها آزمایش شده است از بین اینها کسی انتخاب شود باید از کسانی باشد که خصومتها و یا تخاصمها که در برابر او مطرح می‌شود هیچ او را از میدان خارج نکند یعنی وقتی دو نفر در برابرش دعوا را مطرح می‌کنند با طرح يك دعوا، این دعوا او را تضعیف نکند با نهایت تسلط حرف دو طرف را کاملاً بشنود تا بتواند بحق برسد باید از کسانی باشد «... ولایتمادی فی الزله...» یعنی اگر در زندگی و در کار احیاناً اشتباهی برایش پیش آمد براحتی بگوید من اشتباه کردم و از اشتباه خود برگردد و آن را جبران کند، همه‌ی قضات محترم می‌دانند که از جمله مواردی که در شرع تصریح شده و در قانون هم تصریح گردیده که حکم قابل تجدیدنظر است و می‌شود مجدداً حکم قاضی را بررسی کرد، جایی است که خود قاضی متوجه شود در حکمش ضعف و خللی وجود دارد و يك جایی از حکمش اشکال دارد و بعد متوجه اشکال حکمش شده و بگوید من اشتباه کردم این حکم باید مجدداً بررسی شود هم قانون به ما می‌گوید و هم شرع، این قاضی حکمش را نقض می‌کند، می‌شکند و مجدداً همان قاضی یا قاضی دیگر می‌تواند به موضوع رسیدگی کند. البته وقتی حکمی از محکمه‌ی صادر شد قاضی دیگر نمی‌تواند حکم آن قاضی را بشکند تا وقتی حکم نقض نشده آن حکم به يك جهت شرعی و قانونی و قابل رسیدگی مجدد نیست و اصل بر قطعیت حکم است. ولی وقتی قاضی متوجه اشتباه خود شد (طبق مراحل) حکم را می‌شکند و مجدداً بررسی می‌شود و (علت) رفع می‌شود ما مواردی هم داشته‌ایم که بعضی از قضات رسماً به مسئول بالای خود نوشته‌اند که من نوشته‌ها را در جریان کار خودم دیده‌ام که قاضی به مسئول بالاتر خود نوشته است من وجدانم ناآرام است

ناراحت هستیم حکمی که داده‌ام بعداً روشن شده است که ضعیف بوده اشکال داشته است و ادله‌ی بعدی برایم پیدا شده است خواهش می‌کنم حکم را کان لم یکن تلقی کنید و مجدداً اجازه بررسی جدید بدهید این یکی از مزایای قاضی است که وقتی متوجه شد اشتباه نموده حکمش را نقض می‌کند. البته ما بعداً بحث خواهیم کرد که در مقام رسیدگی تحقیق باید حد اعلا و بطور کامل تحقیق انجام گیرد. ولسی این صفت که حضرت علی (ع) اینجا اشاره فرموده‌اند در لغزش یا لغزشها اصولاً حالت دنبال کردن و یا پی‌گیری را نداشته باشد اگر لغزش پیش آمد که هیچ انسانی معصوم نیست و هر انسانی لغزش دارد وقتی لغزشی پیش آمد بلافاصله باید در حد امکان آن لغزش را جبران کند و نفی و اصلاح کند باین ترتیب از صفات شایسته‌یی که در مقام انتخاب، انتخاب کننده باید به آن توجه داشته باشد این حالت است که فضائلی برای قاضی باشد مضایق و فشارها او را نشکند خصوم و دعاوی او را تضعیف نکند ذلت و لغزش او را از پا درنیآورد اگر این صفات را داشت خود بخود این قاضی، شایسته انتخاب است. توفیقات همه‌ی همکاران محترم را از خداوند متعال خواهانم.

والسلام علیکم ورحمة... و برکاته